

ایران هراسی در غرب: علل، اهداف و انگیزه‌ها

سخنران: دکتر سید محمدکاظم سجادپور

تاریخ برگزاری: ۱۸ بهمن ۱۳۸۹

ایران‌هراسی بحث قابل توجه و مهمی است و برای روشن‌تر شدن مطلب، سه پرسش مطرح می‌کنم.

سؤال اول این است که چرا این بحث مهم است؟ یعنی کلاً به اهمیت بحث و کمی سیستماتیک‌تر به این موضوع خواهیم پرداخت. بحث دوم اینکه چگونه باید ایران‌هراسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ چگونه باید این پدیده را به عنوان یک بحث علمی فهمید و سرانجام به این پرسش که در رابطه با این پدیده چه کار باید کرد می‌پردازم. البته تمرکز روی سؤال دوم است و سؤال اول شروع بحث و سؤال سوم جمع‌بندی بحث چرا این بحث مهم است؟ به سه دلیل اساسی. نخست تصور، بخشی از زندگی بین‌المللی است. یعنی در زندگی بین‌المللی ما ترکیبی از واقعیت و تصور را داریم. البته در زندگی فردی هم همینطور است. یعنی افراد یک چیزی هستند ولی تصویری هم ما از آن‌ها داریم، حالا مثبت یا منفی، ولی این تصور که ممکن است واقعیت نداشته باشد، خودش یک واقعیت است. یعنی اینکه ما تصویری از دیگران داریم و دیگران تصویری از ما. اصل اینکه تصور بخشی از زندگی فردی، ملی و بین‌المللی است یک واقعیت غیرقابل انکار است و این بحث در روانشناسی به قدری مهم است که حتی ریشه بسیاری از جنگ‌ها را تصورات دیده‌اند. کتاب معروف جرویس همین را بحث می‌کند و اگر به سوابق بسیاری از جنگ‌ها برگردید می‌بینید تصوراتی که کشورها از هم داشتند، مبنای عملیات نظامی شده و بعدها معلوم شده که این تصورات آنچنان هم که فکر می‌کردند واقعیت نداشته. مسائل ایران‌هراسی از جمله مسائل مربوط به تصورات نادرستی است که در مورد ایران وجود دارد و توضیح خواهم داد که بعضی از آن‌ها ریشه تاریخی دارد. هیچ وقت نمی‌توانیم تصورات را نادیده بگیریم. در زندگی فردی، اجتماعی چارچوب زندگی بین‌المللی باید به تصورات موجود توجه کرد و یکی از این مباحث همین مسئله ایران‌هراسی است. هراسیدن بخشی از تصوراتی است که در مورد کشور ما وجود دارد و یک

بحث مهم است، اما دلیل دوم که مقداری دقیق‌تر است، ما انواع فوبیها داریم. فوبیا که بعضی از ارتفاع می‌ترسند بعضی‌ها از تاریکی و برخی از آب. لغت فوبیا به معنی هراسیدن است و پدیده‌ای جدی و روانی است و ممکن است بعضاً در افراد غیرقابل‌معالجه باشد، البته معالجه‌هایی وجود دارد ولی الزاماً همه جا جواب نمی‌دهد. این پدیده‌های روانی توأم با واکنش غیرارادی است، یعنی وقتی فرد یک سیاهی می‌بیند ممکن است حال فیزیکی‌اش بد شود، به هم بریزد و انواع مشکلات جسمی پیدا کند، به خاطر فوبی‌هایی که دارند، بعضی، از حیوانات می‌ترسند و به اصطلاح حیوان‌هراسی دارند، بعضی‌ها از یک نوع حیوانات هراس دارند و بعضی وقت‌ها انسان‌ها از دیدن همدیگر به هراس می‌افتند. البته به دلایل مختلف است این پدیده در سطح بین‌المللی هم وجود دارد و ما با انواع فوبیها روبرو هستیم. در جامعه بین‌المللی این فوبیها به رفتارهای مشخصی منجر می‌شود، مسئله تبعیض نسبت به اقلیت‌های مختلف قومی، مذهبی و مهاجر نوعاً زائیده این فوبیها هستند. دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس گفته است که چندفرهنگی و فرهنگ‌گرایی در انگلیس جواب نمی‌دهد و ما باید به سمت ادغام برویم. در دو سه روز گذشته بحث اصلی درباره تفکر منتهی به یک نوع فوبیا نسبت به مهاجران و مخصوصاً نسبت به مسلمان‌ها است و رفتار تبعیض‌آمیزی را در بر دارد. این فوبیها در حال حاضر بعضاً تبدیل به پدیده‌های فراگیر بین‌المللی شده‌اند. مسئله اسلام و اسلام‌هراسی یکی از آنهاست. ایران فوبیا هم یکی از این مباحث است که به نظر من غرب این فوبیا را تشدید می‌کند. سومین مسئله که باز اهمیت طرح این مسئله را جدی می‌کند چیزی است که به انگلیسی به آن *fear in dustry* یا صنعت تولید ترس می‌گویند، یک صنعت بسیار گسترده، قوی، با پول و امکانات و برای تولید پول و امکانات، حال کار این صنعت چیست؟ این که تولید ترس کند و از طریق تولید ترس برای ایجاد فضای امنیتی تسلیحات به فروش رود، رقابت‌های نظامی ایجاد شود و نوعی از صنایع، شغل و حرفه گسترش پیدا کند. یعنی در واقع در این کار درآمد زیادی هست. درآمد این کار حاصل از تولید ترس است و تولید ترس کارهای شبه‌علمی انواع و اقسام مؤسسات تحقیقاتی پژوهشی را به دنبال دارد و این یکی از جاهایی که ایران‌هراسی در کانون توجه قرار می‌گیرد. در این صنعت است که دیگر

بحث تبعیض و برداشت و تصور نیست بلکه به یک‌سری مسائل امنیتی تبدیل می‌شود یعنی از ایران فویا یا ایران‌هراسی یک پدیده امنیتی می‌سازند، چون ایران خطر است و چون خطر بزرگی است لذا در مقابلش این کارها را باید کرد و انجام دادن این کارها معادل یک سری ترکیبات سیاسی و امنیتی و بالطبع یک سری منافع خاص اقتصادی است. همینطور که مشخص شد این موضوع از نظر فرهنگی روانی، سیاسی و امنیتی قابل توجه است و لذا باید مطالعه شود. من ابتدا خواستم اهمیت این مسئله را ذکر کنم که موضوع، موضوع قابل توجهی است. اما سؤال اصلی و جدی بعدی این است که اگر بخواهیم ایران‌هراسی را تجزیه و تحلیل کنیم، چه ابعاد و زوایایی دارد و چگونه قابل تجزیه و تحلیل است، اصلاً چه ویژگی‌هایی دارد؟ من سه دسته ویژگی در ایران‌هراسی به اصطلاح مشخص کردم. بعد از بررسی‌های مختلف، دسته اول در واقع، یک‌سری ویژگی‌های فرهنگی چالشی است، دسته دوم ویژگی‌های ایدئولوژیک و دسته سوم امنیتی و استراتژیک، یعنی ایران‌هراسی یک واقعیت است، منتها باید بینیم این واقعیت ریشه در کجا دارد. ممکن است خودش چیز خیلی بدی باشد ولی در این که هست تردیدی نیست، در اینکه صنعت تولید ترس را تقویت می‌کند بحثی نیست، منتها دلایل، زمینه‌ها و انگیزه‌هایش چیست و چه خاستگاهی دارد؟ بحث اول بحث تاریخی فرهنگی است، یعنی یک‌سری دلایل و انگیزه‌هایش به مسائل تاریخی و فرهنگی جدید و قدیمی برمی‌گردد. در این خصوص باید تأکید کنم که اولاً ایران برای غرب پدیده جدیدی نیست از قرن‌ها پیش ایران به تعبیر پست‌مدرن‌ها دیگر غرب بوده یعنی اگر از یونان و روم باستان نگاه کنید، آنکه دیگر آن‌ها محسوب می‌شده، ایران بوده و ایران همیشه برایشان مطرح بوده و البته این موضوع همراه با جنگ‌های واقعی، با تعاملات، شکست‌ها و موفقیت‌های متقابل بوده است. جالب است همین مسئله موضوع یک کتاب است که لرد کرزون تحت عنوان پرسش نوشته است. این یک مسئله است، مسئله ایران که البته این مربوط به حدود یک قرن قبل است، این رابطه، رابطه غرب با ایران در چشم‌انداز تاریخی خود رابطه‌ای مبتنی بر عشق و تنفر یا به تعبیر فرهنگی از طرف کشوری یا تمدنی است متفاوت و همیشه بر متفاوت بودن خودش از غرب در طی تمام مراحل حیاتش تکیه کرده، یعنی ایران هیچ وقت

برتری تمامیت فرهنگ غربی را نپذیرفته هر چند ممکن است در مواردی چه در قرون معاصر چه در قرون قدیم تحت تأثیر قرار گرفته باشد، ولی همواره بر متفاوت بودن خودش تأکید کرده و همین باعث شده دیگران به فرهنگ ایران با یک ستایش و تقدیر نگاه کنند و یکی از انگیزه‌های ایران‌شناسی و شناخت ایران همین بوده که این کشور چیست و تعداد افرادی که از طرف غرب به ایران توجه کرده‌اند کم نیستند. حتی در مواردی کارهای سیستماتیک و مطالعات غربی‌ها در مورد ایران بهتر و فنی‌تر از برخی مطالعاتی است که در شرق انجام شده است. اما در عین حال تنفر هم وجود داشته، اگر علاقه به فرهنگ ایران بوده، تنفر هم از قدرت ایران در طی تاریخ مطرح بوده و مسائل ترکیبی این رابطه همیشه بعدی از ایران‌هراسی را در کنار توجه به جنبه‌هایی از زندگی فرهنگی ستایش‌آمیز ایران برای غرب در برداشته در نوشته‌های هردوت تا آخرین خبرنگارهایی که از ایران دیدن می‌کنند، این حالت ترکیبی را می‌بینید که نسبت به ایران یکدست نیست. برداشته‌های همه آن‌ها در مواردی غلظت برخی از ابعاد تنفرآمیز و در مواردی غلظت برخی ابعاد ستایش‌آمیز بیشتر است. ولی چیزی که می‌خواهم تأکید کنم بدون اینکه زیاد به جزئیات پردازم اینکه ایران‌هراسی ریشه‌ای تاریخی دارد که از یک جهت چیز جدیدی نیست. از یونان و روم گرفته تا دوران معاصر و دوره انقلاب این تداوم و تغییر را می‌بینیم و از طرف دیگر این فقط مسئله ایران نیست در یک قالب فرهنگی و تاریخی مسئله شرق است و کتاب معروف «ادوارد سمیر» را که تحول مهمی در مطالعات خاورمیانه است، حتماً دیده‌اید به عنوان شرق‌شناسی که حتی نگاه مطالعاتی غربی‌ها را نسبت به شرق واقعاً به چالش می‌کشد و می‌گوید این‌ها به شرقی پرداختند که می‌خواستند خودشان این‌گونه نگاه کنند و شرق نسبت به غرب پایین‌تر بوده و مسئله ایران و ایران‌هراسی و یا ترس از ایران در قالب ترس از پدیده غیرغربی است و ایران جزئی از آن است و این بعد تاریخی و فرهنگی ادامه دارد و ادامه خواهد داشت ولی در عین حال بگویم، الزاماً همه آن مقصد در لایه‌های فرهنگی تنفر یکپارچه نیست حتی در مواردی که تنفر بعید است، مجبور به پذیرش عناصری مثبت از ابعاد فرهنگی است. نکته دیگری که در این پدیده تاریخی و فرهنگی قابل توجه است، انقلاب اسلامی ایران است به عنوان یک نقطه عطف دیگر در این دوره

ایران تفاوت خودش را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد، جنبه هویتی این مسئله بیشتر می‌شود، نه شرقی نه غربی و بعد سیاست‌ها و تحولاتی که در ۳۰ سال گذشته پیش آمده یعنی از یک طرف انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف و از طرف دیگر ۳۰ سال گذشته و ابعاد ایرانی تحولاتی که بر روابط ایران و غرب روی داده، نسبت به تحولاتی که فقط در رابطه مسلمانان ایجاد شده خیلی مهم است. یعنی الان مسئله مهاجران مسلمان در اروپا به نحوی که در حال حاضر وجود دارد، ۴۰ سال پیش وجود نداشت، ۳۰ سال پیش هم وجود نداشت تعداد مهاجران به این اندازه نبود و الان افرادی مثل «برنالد لوئیس»، که در صنعت تولید ترس هستند کتابی تحت عنوان *فتح سبز اروپا* نوشته یعنی اروپا دارد توسط مسلمانان اشغال می‌شود، چون سبز را علامت مسلمانان می‌دانند و از نظر تاریخی در مقابل خطر سرخ که شوروی بود مطرح می‌شد و الان این بحث ادامه دارد. به نظر من این بحث فرهنگی فوق‌العاده حائز اهمیت است به هر حال یکی از ریشه‌های ایران‌هراسی مسئله تاریخی و فرهنگی است. اما بعد دوم، بعد ایدئولوژیک و سیاسی است اینجا باید تأکید کنم که ضدیت با ایران و ایران‌هراسی پدیده‌ای صرفاً غربی نیست. متأسفم که عرض کنم بخشی از دنیای عرب در این پروژه همراه غرب است ولی الزاماً در مباحث استراتژیک هماهنگ با غرب نیست در این تفکر ضدایرانی به حزب بعث اشاره می‌کنم که از نظر قدرت سیاسی به زباله‌دان تاریخ پیوست ولی از نظر تفکر هنوز وجود دارد یعنی هنوز بعثی داریم، تفکر بعثی یک ایدئولوژی است که یکی از عناصر آن ضدیت با ایران است و اصلاً یکی از عوامل ایجاد جنگ توسط صدام علیه ما همین ایدئولوژی ضدیت با ایران بود که بر ساختار ایدئولوژی حزب بعث تزریق شد، که البته زمانی، صد درصد هماهنگ با آن چیزی بود که غرب هم تمایل داشت ببیند و بعثی‌های عراق معتقد بودند که در مقابل ایران نگهبان دروازه شرق دنیای غرب هستند. چون ایران می‌خواهد دنیای عرب را بگیرد و ضدیت به قدری زیاد است که گفته می‌شود - من مکتوب ندیدم - که فرد شاخصی از حزب بعث از جمله دایی صدام گفته بود که: «خداوند در خلقت سه اشتباه کرده تولید پشه، تولید یهودی و تولید ایرانی.» این جمله ناشی از یک ایدئولوژی ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی است که نمی‌خواهم فعلاً در محدوده مسائل حزب بعث این مطلب را بیان کنم

ولی خواستم مثال بزنم، موقعی که می‌گوییم ایدئولوژی، چه معنایی دارد یعنی از اول به ایران اینطور نگاه می‌کنند، یعنی نگاه به ایرانی توأم با نگاه به یک پدیده ترسناک و خطرناک و نگاه وحشتناک به چیزی است که ذات خطرناکی دارد. در همین راستا به نظر من در بسیاری از مراکز و محافل غرب هم ضدیت با ایران یک ایدئولوژی شده است. یعنی به یک دستگاه فکری تبدیل شده و در این دستگاه و منظومه فکری افراد، مؤسسات و گرایش‌های مختلفی وجود دارند که البته گرایش‌های سکولار و گرایش‌های صهیونیستی در این قضیه فوق‌العاده مؤثر هستند و نقش خیلی جدی دارند، به عنوان مثال مؤسسه‌ای را ذکر می‌کنم که هر کاری که در مورد ایران چاپ کرده ایدئولوژیک است، در امریکا مؤسسه‌ای با نام مؤسسه واشنگتن برای بررسی سیاسی یا سیاستگذاری در خاور نزدیک وجود دارد که به بنت معروف است، که این مؤسسه حدود ۲۵ سال سابقه دارد و از ابتدا هدفش این بود، که هر چه در مورد ایران هست حتماً چیز خطرناک و بدی است. البته در این نگاه سیاسی ایدئولوژی، رنگین‌کمانی از گروه‌ها و افراد قرار می‌گیرند که به دلایل مختلف، برخی به خاطر سرخوردگی‌هایی که از تحولات ایران پیدا کرده‌اند، برخی به خاطر گرایش‌های سکولار، برخی به خاطر گرایش‌های فرقه‌ای و برخی به خاطر منافع کشورهای خاص از کشورهای عربی گرفته تا رژیم صهیونیستی در این گروه قرار می‌گیرند. من دو ماه پیش در کنفرانسی در بحرین بودم کنفرانس محدود بود یعنی حدود ۲۰ نفر بیشتر نبودند فراموش نمی‌کنم که یکی از افراد مهم عرب که سمت فوق‌العاده‌ای در دستگاه دیپلماتیک و نظامی یکی از این کشورهای منطقه داشت می‌گفت کاسه‌ای زیر نیم کاسه ایران هست، یعنی امکان ندارد شما با ایرانی صحبت کنید و پشتش برنامه‌ای نباشد و آن‌چنان این جمله را با تمام وجود می‌گفت که امکان نداشت در مورد ایران تصور دیگری داشت. البته این فرد که می‌گویم یک فرد عادی نبود، به نظر من این سمبل یک ایدئولوژی ایران‌هراسی است که بخشی از آن در غرب تصور شده این ایدئولوژی از منابع مختلف الهام گرفته ولی افرادی هم خیلی در آن نقش دارند یعنی یک‌سری افراد خاص. در همین واشنگتن فردی به نام پاتریک کلاس داریم که فارسی هم بلد است احتمالاً اگر این برنامه از جایی هم پخش شود او هم گوش می‌دهد، ولی اول این‌گونه نبود و در حدود تقریباً بیست و

چند سال پیش تغییر خط داد قبلاً از فعالان اقتصادی بود بعد یک مرتبه به مسیر ضدیت با ایران رفت و به قدری غرق در ضدیت با ایران است که می‌شود گفت به عنوان یک موتور در تمام محافل سیاسی ایران‌هراسی قلمداد می‌شود و آن‌قدر افراطی است که در برخی از کنفرانس‌ها دیگران به او اخطار می‌دهند که این طورها هم که شما فکر می‌کنید نیست ولی شناسایی این ایدئولوژی و منافع سیاسی آن بسیار مهم است و حال من اسم پاتریک کلاس را بردم نوشته‌هایش خیلی برجسته و مشخص است و در عین حال خیلی هم باسواد است و یکی از متخصصان اقتصاد دوره صفویه است ولی تمام نوشته‌ها و حرف‌هایش بر این اساس است که انسان موجودی است خطرناک و باید از آن ترسید و تمام دانش‌اش را برای این ایدئولوژی به کار می‌گیرد که البته این ایدئولوژی هم در خدمت منافع سیاسی و اقتصادی است. بردن اسم او به این مهمی نیست که او تنها فرد است. فرض اولیه ده‌ها پروژه‌ای که توسط مؤسسات مختلف تحقیقاتی طراحی می‌شود این است که ایران خطرناک است یعنی تحقیق با این فرض شروع می‌شود. دسته سوم عوامل، دلایل امنیتی و استراتژیک است که البته این تقسیم‌بندی مصنوعی است به این معنی که وقتی می‌گوییم مباحث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به خاطر فهم مطلب است و گرنه در زندگی واقعی همه این‌ها در میدان ولی عصر(عج) با همدیگر مخلوط است یعنی نمی‌توانیم بگوییم این قسمت اقتصادی است، این قسمت اجتماعی، این قسمت فرهنگی، بلکه زندگی اجتماعی به هم تنیده است و برای فهم بهتر مطلب است. بعد امنیتی و استراتژیک فوق‌العاده مهم است و امیدواریم دوستان به این توجه داشته باشند. به نظر من یکی از دلایل اصلی ایران‌هراسی جنبه استراتژیک و امنیتی قدرت ذاتی ایران است وقتی می‌گوییم ذات یعنی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای حتی ماورای اینکه از نظر مناسبات سیاسی چه وضعیتی دارد، چون تعداد قدرت‌های منطقه‌ای در دنیا کم هستند. قدرت‌های منطقه‌ای به طور کلاسیک، نه مثل قدرت‌های جهانی هستند، که ظرفیت تسلط با تأثیرگذاری استعماری جهانی را داشته باشند و نه به راحتی هم پذیرای فشار قدرت‌های بزرگ هستند. از طرف دیگر کشورهایی که قدرت آن‌ها از کشورهای منطقه‌ای کمتر است، نسبت به قدرت‌های منطقه‌ای همیشه هراس دارند. اگر به طور

سمبلیک به عناصر قدرت ذاتی ایران نمره بدهید، مثلاً سرزمین، جمعیت، منابع زیرزمینی و آن را روی نمودار بگذارید و با همسایه‌ها مقایسه کنید نسبت به برخی همسایه‌ها که قدرت‌های منطقه‌ای هستند، این نمودار برابر نشان می‌دهد ولی نسبت به بعضی خیلی فاصله دارد. فرض کنید جای این نمودارها انسان‌هایی را بکشید یعنی به هر کشوری به قالب یک انسان وزن بدهید. یک برادر خیلی بزرگ و یک برادر از لحاظ قد خیلی کوچک می‌شود. این یک چیز طبیعی و ذاتی در چارچوب قدرت‌های منطقه‌ای است که قدرت‌های بزرگ نسبت به این‌ها مسئله دارند و این‌ها هم نسبت به قدرت‌های بزرگ مسئله دارند و متقابلاً قدرت‌هایی که از آنها کمتر هستند نسبت به آن‌ها مسئله دارند و این مسئله فقط روی بعد مادی پیاده نمی‌شود، بلکه جنبه‌های غیرمادی از جمله مسئله هراس را هم در بر دارد وقتی که قد شما خیلی بلند باشد نمی‌توانید روی قد خود عملیاتی انجام دهید که مثلاً کوتاه‌تر یا بلندتر شود این یک واقعیت است که به نظر من در فهم ایران‌هراسی فوق‌العاده مهم است. مخصوصاً از نظر تاریخی، در زمانی ایران یک قدرت جهانی و در کل نظام بین‌المللی یا نظام‌های متعدد بین‌المللی مؤثر بود. اما دلیل دوم، قدرت اکتسابی ایران است یعنی آن قدرت ذاتی بود این قدرت اکتسابی، در ایران انقلاب شده است، انقلاب با انگیزه‌های مذهبی بوده و تحول بزرگی ایجاد کرده به هر حال، از هر زاویه که نگاه شود ایران دستاوردها و اکتساب‌های مهمی داشته است. اخیراً ما با دانشجویانمان به سفر عتبات رفته بودیم یکی دو سال قبل هم که رفته بودم، همان موقع که ما از مرز ایران وارد عراق شدیم و شهرهای عراق را دیدیم و همینطور موقعی که از عراق خارج و وارد ایران شدیم چیزی که برای دانشجویان جالب بود سطح متفاوت توسعه ایران بود! از اتوبوس‌ها، جاده‌ها و بهداشت گرفته تا زمینه‌های علمی، فناوری، سیاسی و استراتژیک همین که ایران روی مسئله استقلال خودش در ۳۰ سال گذشته تکیه کرده از نظر مناسبات بین‌المللی فوق‌العاده حائز اهمیت است هم اکتساب‌هایی که جنبه مادی دارد و قابل شمارش و ارائه است و هم جنبه‌های غیرمادی، سیاسی و استراتژیک. این موضوع به این معنا نیست که ما چالش نداریم یا با چالش‌های متعددی روبرو نیستیم، ولی جنبه‌های اکتسابی فوق‌العاده حائز اهمیت است. در چارچوب‌های نگاه و توجه به ایران مسئله هراس ایران و البته آن صنعت

ترس روی آن‌ها چه کار می‌کند؟ ببینید سعی می‌کنند تمامیت ایران را در سه چهار مسئله‌ای که برای جامعه جهانی جنبه تهدیدآمیز دارد معرفی کنند، امروز که به ایران می‌آیند برداشت قبلی آن‌ها با برداشتی که می‌بینند، متفاوت است. دو مورد را برای شما نقل می‌کنم که خیلی جالب بود. یک بار در مسجد دفتر مطالعات بین‌المللی بودم. ما آنجا مجله‌ای انگلیسی داشتیم که هنوز هم ادامه دارد و یک‌سری خارجی می‌آمدند، اگر خیلی می‌خواستند قبول کنند که به هر حال در ایران هم عده‌ای مطالعه می‌کنند و می‌خوانند، با شوکی اولیه روبرو می‌شدند، ولی بعضی هم صادقانه واقعاً تحت تأثیر قرار می‌گرفتند مثلاً مجله انگلیسی را به آن می‌دادیم نگاه می‌کردند و می‌گفتند مجله حرفه‌ای است موقعی که این را می‌گفتند، من می‌گفتم البته فراموش نکنید که ما در سوئیس نیستیم ما در خاورمیانه هستیم ما ساندویچی هستیم بین طالبان و صدام که البته اون موقع هر دو گروه بودند آن‌ها هم می‌گفتند بله البته و تعجبی که من در چهره پژوهشگران می‌دیدم. این موضوع نشان‌دهنده مسائل اکتسابی ایران بود. بنده قبل از اینکه مسئول دفتر مطالعاتی باشم در نمایندگی نیویورک نماینده دفتر مطالعات بودم و کار من صحبت کردن با پژوهشگران و جلسه برای کنفرانس‌های مختلف بود شاید این موضوع مربوط به حدود ۱۵ سال پیش باشد. با استادی که به دفتر نمایندگی آمده بود صحبت می‌کردم او علاقه‌مند بود در مورد ایران چیزی بداند و سفری به ایران داشته باشد فهمید که من همانجا درس خوانده‌ام، به هر حال داشتیم با هم انگلیسی حرف می‌زدیم. اول من کارتم را دادم، کارت ویزیت بخشی از سلام و علیک معاصر است، وقتی آن را دید نگاه کرد و گفت: اوه ایمیل؟! مورد دیگر اینکه استاد برجسته‌ای که اولین بار به ایران آمده بود غذای خود را همراه خودش آورده بود که نکند در غذا مشکلی باشد، لذا جنبه‌های اکتسابی فوق‌العاده کلیدی و حائز اهمیت است آن‌ها به طور گزینشی توجه می‌کنند یعنی کسی روی مجلات مختلفی که در ایران چاپ می‌شود یا دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی تمرکز نمی‌کند. همه چیز در دو سه مسئله امنیتی خلاصه می‌شود. البته اخیراً برخی از ایرانی‌های خارج از کشور سعی می‌کنند جنبه‌های غیر امنیتی را مطرح کنند که جالب است اگر مجله‌ای تحت

عنوان ایرانیان چاپ شده فوق‌العاده ظهور جامعه علمی ایران را نشان می‌دهد که ایران یک جامعه علمی در علوم مختلف دارد و این‌ها چیزهایی است که جنبه اکتسابی ایران را نشان می‌دهد.

سومین مسئله امنیتی و استراتژیک، مسئله شرایط دوران انتقال در روابط بین‌المللی است. دوران طولانی انتقال ۲۰ سال است که تکلیف معلوم نیست قبلاً می‌دانستند یا می‌رفتند مسکو یا واشنگتن و تنظیم می‌کردند. خود ما که انقلاب کردیم دقیقاً گفتیم نه شرقی نه غربی، دو پایه بودن نظام بین‌المللی را در این شعار می‌توان دید. متنها ۲۰ سال است که در نظام بین‌المللی حالت دو قطبی از بین رفته ولی آیا دنیا تک قطبی شده؟ آیا واقعاً چند قطبی شده که تکلیف همه مشخص بشود که با چه قطب‌هایی سروکار دارند. از نظر روابط بین‌الملل دنیای پیچیده‌ای شده است. بازیگرانی در روابط بین‌الملل وجود نداشتند، مثل دزدان دریایی ۱۸۰ ساله که از بین رفته بودند ولی در چهار پنج سال گذشته دزدان دریایی یکی از بازیگران مطرح در روابط بین‌الملل شدند و در سال گذشته میلادی هر چند کیفیت عملیات آنها پایین‌تر آمده بود ولی بر تعداد آنها افزوده شد. دنیا در دوره انتقال است. بازیگران خاص ایجاد شده‌اند. فردی که افسر جزء ارتش آمریکا است اسنادی را بر می‌دارد و در سایتی به نام ویکی‌لیکس می‌گذارد و آن‌چنان تحولی از نظر تفکر عمومی ایجاد می‌کند که بعضی افراد متأثر می‌شوند. بازیگران مهم این جریان یعنی «آمونج واون» و «بردی» با اسنادی که چاپ کردند توانستند اعتبار دانشگاه دیپلماتیک آمریکا را زیر سؤال ببرند و جالب اینکه در مورد تحولات مصر می‌گویند، دیپلمات‌ها الان نمی‌توانند مطالب جدی خودشان را بنویسند چون نگرانند اسناد رو بشود، کما اینکه اسنادی که از نگرش آمریکا نسبت به مصر، الان رو شده حائز اهمیت است. می‌خواهم بگویم دنیای پیچیده‌ای داریم که در این دنیای انتقالی بازیگران متعدد و تعاملات جدیدی در روابط بین‌المللی ایجاد شده و برخی از تعاملات گذشته ادامه دارد. مراکز جدید قدرت به وجود آمده‌اند و در این دوره مسائل مربوط به قدرت‌های منطقه‌ای مخصوصاً قدرت‌های منطقه‌ای مثل ایران مسئله‌ای عمده از نظر روابط مربوط به امنیت بین‌المللی هستند، در اینجا ایران‌هراسی خیلی کار می‌کند؛ کشوری که این امکانات را دارد، می‌تواند صلح و امنیت را به خطر بیندازد می‌خواهم بگویم در این مرحله

انتقالی هم یکی از مسائل اضافه‌کننده و افزایش‌دهنده، مسئله ایران‌هراسی است می‌پرسند که امنیت بین‌المللی توسط چه چیزهایی تهدید می‌شود اجماع هست که دیگر جنگ بین قدرت‌های بزرگ وجود ندارد ولی از جنبه‌های دیگری امنیت بین‌المللی مورد تهدید قرار می‌گیرد. با مثال‌هایی که می‌زنند، همه سعی می‌کنند به نحوی این شرایط و موقعیت را به خاورمیانه و ایران ارجاع بدهند که این هم یکی از انگیزه‌ها، زمینه‌ها، بسترها و یکی از بازارهای مصرف ایران‌هراسی از نظر استراتژیک و امنیتی است. فکر می‌کنم تا حدودی همه چیز را گفتیم، البته بیشتر از نگاه آن چیزی که خارج از ایران می‌گذرد، مد نظر قرار گرفت، اجازه بدهید بگویم که این‌ها پیامدهای عمده‌ای دارد، یعنی چیز کمی نیست چون پیامدها در نگاه‌هایی است که نسبت به ما وجود دارد. پیامدها از نظر عملی به این معنا نیست که باید با نگرانی به این‌ها نگاه کنیم ولی اجازه بدهید از همین جا به سؤال سوم بپردازم که در رابطه با ایران‌هراسی چه باید کرد؟

۱. باید فهم جدی از این مسئله داشته باشیم که حالا به طور مقدماتی چارچوبی را خدمتتان عرض کردم ولی مسئله تبلیغاتی و شلوغ کردنی نیست، بلکه مسئله‌ای است که نیاز به کار علمی و توجه استراتژیک دارد و همین‌طور یک مسئله بین‌رشته‌ای است یعنی صرفاً از زاویه مطالعات امنیت بین‌المللی یا استراتژیک نمی‌شود نگاه کرد و مطالعات فرهنگی، سیاسی و میان‌رشته‌ای بخشی مهم از این کار است. یعنی جنبه‌هایی که مربوط به قدرت ذاتی ایران است و هر کاری که ایران بکند، بد است. با تصور اولیه شما هیچ کاری نمی‌شود کرد، اما بدان معنی نیست که ما باید همیشه با ایران‌هراسی زندگی کنیم. بحث سوم من این است که این بحث به طرق مختلف قابل مدیریت است: ما باید در نظر داشته باشیم که به عنوان یک کشور مهم و یک قدرت منطقه‌ای هرگونه حرکت ما حتی اظهارنظر یک مقام پایین در اقتصاد نقاط دور ایران، بازتابی جهانی دارد و آنهایی که دنبال گزینش مطالب برای ایران‌هراسی هستند اگر به عنوان مسئول یک استان یک جمله بنده ایراد داشته باشد، همان را تبدیل به یک موضوع بین‌المللی می‌کنند. صنعت تولید ترس از یک جمله در یک شهر دور افتاده که ممکن است فرد مزبور مقصودی نداشته باشد،

استفاده می‌کند و بر هیجانات و شعله‌های ایران‌هراسی اضافه می‌کند و اینجا مسئولیت، مفهوم خیلی مهمی می‌شود. مسئولیت هم در حوزه‌های گفتاری و هم در حوزه‌های عملی و اینکه بدانید که دنیا طوری شده که هر حرف و حرکت ما حتی در یک نقطه دور افتاده ممکن است در YouTube بیاید و فردا در سطح جهانی پخش شود، در دنیایی که عمیقاً احساساتی شد - ما الان دنیایی داریم که در آن احساسات جهانی شده است. در همین چند مدت و در دو سه ماه گذشته حادثه معدنچیان شیلی را در نظر بگیرید فکر کنم لحظه به لحظه مادر بزرگ ما هم به تلویزیون نگاه می‌کرد و می‌گفت چه شد این‌ها در آمدند الحمدلله! این مربوط به شیلی و مصر نیست بلکه یک پدیده جهانی و قابل توجه است که برای ما هم حائز اهمیت و البته خیلی هم جنبه اسلامی دارد که به هر حال ما در مقابل هر سخن و حرف و رفتارمان پیش از اینکه در YouTube دنیای جهانی شده، احساس مسئولیت داشته باشیم در پیشگاه پروردگار باید حرف سنجیده‌ای بزنیم تا از عهده مسئولیت آن برآییم. البته منظورم هیچ فرد یا جریان خاصی نیست چون بحث اصلاً بحث داخلی نیست، فقط تکیه‌ام روی این است که در چنین بستری که ایران‌هراسی وجود دارد بیشتر باید مراقب بود. در حدود ۲۰ سال پیش در یک مقاله یک نفر یک کلمه پیدا کرده بود، تا مدتها به این مقاله ارجاع می‌دادند که پس ایران نیتش این است. این‌ها همه مقاله‌ها را خوانده بودند و درآورده بودند که این جمله مقصود و مقصدش این است، شاید نویسنده وقتی می‌نوشته فکر نکرده، ممکن است این بُعد بین‌المللی داشته باشد و فقط برای مصرف دانشجویان یا خوانندگان داخلی نیست. اما بخش دیگری که مورد مدیریت دیپلماسی است این که ایران‌هراسی‌های بیهوده را مدیریت کند. در اینجا دو نوع دیپلماسی که این روزها مورد تأکید است را مورد توجه قرار داده و بحثم را تمام کنم. یکی دیپلماسی فرهنگی که نهایتاً نخبگان فرهنگ‌سازند و تعامل فرهنگیان و افراد صاحب فکر که هر کس به ایران آمد، تحت تأثیر قرار گرفت. این نوع رفت و آمدها چارچوب دیپلماسی فرهنگی است. همین که بیایند ببینند و بروند خیلی از مسائل حل می‌شود و نهایتاً چیزی که به عنوان دیپلماسی مردمی که هر طوری است مردم هم بیایند و اگر با آن‌ها خوش رفتاری شود -

چون بعضی وقت‌ها راننده تاکسی‌ها یا بقیه می‌خواهند سر آن‌ها را به خاطر اینکه زبان بلد نیستند کلاه بگذارند - در همین سفر اخیرمان به عتبات، وقتی مأمور امنیتی سوار اتوبوس شد اول نمی‌دانستیم که فارسی را خیلی خوب بلد است، با بچه‌ها رفیق شد و بچه‌ها با او شوخی می‌کردند اسمش حسین بود بچه‌ها اسمش را گذاشتند حسین سکورتی. خیلی فرد علاقه‌مند و جالبی بود می‌گفت من در ایران به زیارت امام رضا و حضرت عبدالعظیم رفتم بعد خواستم بروم قم، رفتم ترمینال جنوب وقتی فهمیدند عرب هستم، خودم را زدم به این که فارسی بلد نیستم، گفتند ۲۰ هزار تومان. بعد به فارسی بهشان گفتم جلو ۵ هزار، عقب ۴ هزار تومان و این باعث شد آن‌ها تعجب کنند که من فارسی بلدم. ولی این نوع برخورد با یک توریست خارجی شاید ایران‌هراسی را بیشتر کند که اگر ایران می‌روی مواظب باش پنج تومان را ۲۰ هزار تومان حساب نکنند. این نشان می‌دهد که مدیریت مسئله ایران‌هراسی صرفاً دولتی نیست و همه افراد جامعه می‌توانند در آن نقش داشته باشند پس گفتیم اولاً ایران‌هراسی یک پدیده واقعی و جدی است، هرچند بر بنیاد تصور، هراسیدن، فوبیا و صنعت تولید ترس استوار است. دوم ریشه‌های این موضوع است که یک ریشه ترکیبی از عناصر تاریخی، فرهنگی، سیاسی ایدئولوژیک و عناصر امنیتی استراتژیک در نگاه بیرونی وجود دارد. سرانجام چه کار باید کرد؟ باید این مسئله را فهمید و مدیریت کرد و مدیریت این پدیده همگانی و البته بخشی از آن در اختیار دستگاه‌های عمومی است. امیدوارم که صحبت من باعث هراس شما از بحث ایران‌هراسی نشده باشد و انشاءالله کشور همانطور که هست دید همه‌جانبه‌ای در مورد آن پیدا شود و بتواند در مسائل مختلف، چالش‌های فکری و غیرفکری بیرونی را هم مدیریت کند.

پرسش: شما واژه ایدئولوژی را در مورد ایران‌هراسی زیاد به کار بردید اگر می‌شود در مورد واژه ایدئولوژی توضیح دهید؟

پاسخ: ایدئولوژی تعاریف زیادی دارد ولی آنکه مورد نظر من بود تحمیل یک برداشت ذهنی به واقعیت است. مثلاً حزب بعث از اول ایران را خطرناک می‌دید و می‌خواست آن را بر واقعیت تحمیل کند. چون ما گاهی

ایدئولوژی را با اصول عقاید اشتباه می‌گیریم، چون خودش یک لغت غربی است و استفاده از لغت ایدئولوژی هم خود پروسه ایدئولوژی شده ولی چیزی که مد نظر من بود این است که واقعیتهای وجود نداشته باشد و بخواهیم آن را تحمیل کنیم.

ای کاش کمی مفصل‌تر راجع به بحث ایران‌هراسی صحبت می‌کردیم؟ وظیفه من در مورد مدیریت نبود اول بحث گفتم تکیه اصلی بحث من روی سؤال دوم بود و بیشتر از آن اقتضا نمی‌کرد که بحث کنم.

پرسش: چون بحث ایدئولوژی شد تصور خودتان چیست چون تجربیات شما هم زیاد است اینکه چقدر از این ایران‌هراسی‌ها و به تبع آن مدیریت ایران‌هراسی به نحوه عمل ایدئولوژیک ایران در عرصه روابط بین‌الملل برمی‌گردد؟
پاسخ: منظورتان چیست که می‌گویید ایران ایدئولوژیک عمل کند؟ حالا شما هستید که باید توضیح بدهید که منظورتان از ایدئولوژیک چیست؟

پرسش: اینکه ایده‌هایی که ایران در انقلاب اسلامی به دنبال آن بود و انقلاب کرد و قانون اساسی خود را مبتنی بر آن ایده‌ها نوشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی است تصور می‌کنید اگر ایدئولوژیک عمل کردن را، اگر اندکی کاهش دهد و بیشتر بر واقعیت‌های ملموس و مورد نیاز کشورمان عمل کند چقدر پدیده ایران‌هراسی در عرصه بین‌المللی کمتر می‌شود؟

پاسخ: اگر اجازه بدهید من سؤال‌های دیگری را هم جمع کنم و یک جا جواب بدهم.

پرسش: اگر بخواهید روی بحث ایران‌هراسی تخصصی کار کنیم بیشتر در چارچوب تئوری‌های واقع‌بینی و رئالیسم بحث می‌کنید یا بحث سازه‌انگاری و هویت ملی؟

پاسخ: در رابطه با سؤال اول عرض شود خود لغت ایدئولوژی واقعاً احتیاج به بحث بیشتر دارد و من با بحث‌هایی که همه چیز را در سیاست خارجی ایران و در قالب‌های ایدئولوژیک بحث و بررسی می‌کنند، آشنا هستم. از جمله نکته‌ای که شما گفتید. به نظر من این یک لغت کلی است که باید جزء به جزء آن مشخص شود، مثالی که شما بیان

کردید، نه شرقی نه غربی، به آن تعبیری که من مطرح کردم، جنبه ایدئولوژیکی ندارد، دست برداشتن از - نه شرقی نه غربی - به معنی این است که ایران کوتاه بیاید و به مسئله استقلالش توجهی نکند. حالا ممکن است در شعارهای دیگر معانی و مفاهیم دیگری مدنظر قرار بگیرد ولی به نظر من یکسری مسائل بسیار پایه‌ای‌تر هست که اگر آن را فقط با یک واژه مثل ایدئولوژی یا کم‌کردن و کوتاه آمدن بخواهیم توضیح دهیم به طور کلی به استقلال مربوط می‌شود و استقلال خواست مهم ایران در ۳۰ سال گذشته بوده است.

ولی این به آن معنی نیست که همه مقوله‌هایی که شما در ذهنتان است مانند مثال نه شرقی نه غربی باشد. به نظر من برخی از آن‌ها احتیاج به بحث مفصل دارد ولی قبل از هر چیز باید به مفاهیمی که به کار می‌بریم پردازیم و آن‌ها را تعریف کنیم. اشاره کردم که در دنیای زندگی می‌کنیم که آنهایی که در یک شهر دوردست هستند اگر جمله‌ای بگویند به طور جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، طبیعی است اگر نحوه کلام و رفتار به طور طبیعی در هر جایی مد نظر قرار بگیرد. اما سؤال دوم سؤالی بسیار فنی و قابل توجه است. به نظر من ترکیبی از این دو، یعنی نه رئالیسم می‌تواند به طور کامل توضیح بدهد و نه سازه‌انگاری ولی ترکیبی از این دو متناسب است. اتفاقاً یکی از دانشجویان من رساله‌اش را دقیقاً راجع به همین مسئله کار کرده و یک سال پیش در کارشناسی ارشد دفاع کرد و در یک مقاله موضوع اینکه برخورد امنیتی غرب با ایران در اثر چیست و چگونه می‌شود آن را فهمید، مورد بررسی قرار گرفت. قطعاً چارچوب‌های رئال یعنی واقعیت‌های قدرت ایران حالا چه قدرت ذاتی چه قدرت اکتسابی در این نحوه پردازش، اثر دارد می‌بینیم که عناصر خاص بر اساس نظریه ساختار کارگزار، ایران را خطرناک معرفی و از این طریق به اصطلاح محدود می‌کنند و یک سازه و سازمانی را به وجود می‌آورند، لذا این جنبه ترکیبی می‌تواند خیلی کمک‌کننده و سودمند باشد.

بینید ایران در ۳۰ سال گذشته دهها فراز و نشیب در دنیای سیاست خارجی و سیاست منطقه‌ای داشته، می‌توانیم بگوییم ایران در پی استقلالش بوده وقتی می‌گوییم گروه‌های اسلامی، باز انواع گروه‌های اسلامی داریم و انواع

گروه‌های ضدایرانی. بعضی از گروه‌های ضدایرانی خیلی هم در ظاهر در چارچوب خودشان جنبه مذهبی دارند و معتقدند اگر یک شیعه کشته شود شما مستقیماً به بهشت می‌روید. باید در مورد همه جنبه‌ها صحبت کنیم. تحولات مصر هم الان خیلی سیال است به نظر من صحبت کردن علمی حداقل در مورد این مقایسه مقداری سخت است ولی ایران هر کاری بکند، ممکن است از نظر عده‌ای خطا باشد. حالا به دهها دلیلی که وجود دارد این طور شده است. برای عده‌ای هم ایران هر کاری بکند ممکن است نقطه مقابل داشته باشد ولی جهت کلی را باید نگاه کرد و کسی نمی‌تواند بگوید تحولاتی که در مصر رخ می‌دهد در یک چشم‌انداز تاریخی تحولی منقطع از سایر تحولات در منطقه نیست.

در همین بحث حتی موضع‌گیری‌های گروه‌های مختلفی که گرایش مذهبی دارند مبتنی بر تجاربی است که در ۳۰ سال گذشته پیدا کرده‌اند ولی به نظر من یک جریان کلی منطقه‌ای در این زمینه قابل توجه است که باید مدنظر قرار گیرد، ولی فکر نمی‌کنم که هر چه ایران انجام می‌دهد از اول باید با این نگاه دید که حتماً ایراد دارد یا ایراد ندارد یا ... باید فهمید که در کدام زمینه است. حوزه‌های مختلف آن را باید مشخص کنیم. البته امیدواریم جواب خیلی دیپلماتیک نباشد، چون نمی‌خواهم وارد مسئله روز ایران شوم به لحاظ نوع بحثی که داشتیم و نوع سؤالاتی که می‌شود توجه‌ام بیشتر به جنبه‌های بیرونی ایران است و گرنه در داخل ایران خود این بحث قابل بررسی، تجزیه و تحلیل و نقد است که واقعاً به بحث مفصل‌تری نیاز دارد.

مسائل داخلی توأم با نگرش‌ها و برداشت‌های مختلفی است. یعنی چیزی که ممکن است از طرف فردی خطا باشد، در مورد فرد دیگری، ممکن است خیلی هم درست باشد. وارد مناقشه‌ای می‌شویم که آیا این درست است یا آن؟ ولی من راهکاری که به طور جدی مدنظر دارم و نه در مورد ایران‌هراسی بلکه در مورد همه مسائل، مربوط به کشور ما، فکر می‌کنم که همیشه باید حداقل در سطح نخبگان تا به مقامات دیگر یک دید اجمالی وجود داشته باشد.

یعنی در یک‌سری از مسائل کلیدی باید یک نگاه اجمالی وجود داشته باشد و نگاه اجمالی هم با بخشنامه و نامه اداری صورت نمی‌گیرد و بیشتر محصول یک روند، آموزش و دقت است. تا این دیدگاه بین نخبگان ایجاد شود ممکن است جامعه رویه‌ای را طی کند ولی بیرون از آنها نمی‌شود بحث کرد. حالا علمی بحث کردن فرصت دیگری می‌طلبد که حداقل در یک فضای این‌چنینی نباشد. یعنی علی‌رغم همه اختلاف‌ها که بین احزاب هست در همه کشورها یک‌سری چیزها جنبه اجماعی دارد و من یادم نمی‌رود در دوره شوروی سابق دیپلمات‌های روسی و غیردیپلمات‌ها حتی استادهای دانشگاه وقتی به کنفرانس بین‌المللی می‌آمدند، وقتی چیزی راجع به شوروی گفته می‌شد واکنش نشان می‌دادند واکنش آنها بخشی به خاطر این بود که از حزب کمونیست شوروی آمده بودند، ولی همه هم‌حزبی نبودند، یک واکنش‌شان هم مربوط به منافع ملی روسیه بود و الان هم بعضی از آنها که در مورد گذشته بحث می‌کنند می‌گویند آن موقع کارهایی که می‌کردیم درست و در چارچوب منافع ملی بوده به نظر من این دیدی است که می‌تواند مسئله را مقداری حل کند.